

مشکلاتی چند در ترجمهٔ اردو

علی بیات^۱

اردو، زبانی که نام آن یک کلمهٔ ترکی مغولی به معنی لشکر است (اردو زبان کی مختصرترین تاریخ، ص ۴۹) و به واقع نیز به لشکری شباهت دارد که سربازانش از نقاط مختلف دنیا جمع شده‌اند و یک هدف را دنبال می‌کنند و همانند تمام زبان‌های زندهٔ دنیا هر روز سربازانی به شکل واژگان از گوشه گوشهٔ دنیا را به خود فرا می‌خوانند.

از زبان فارسی، گل و غنچه و برگ و بار...؛ از زبان عربی، صندوق، کرسی، قلم و...؛ از زبان ترکی، بیگم، توپ، خاتون، قورمه، اتالیق و...؛ از زبان پرتغالی، نیلام (حراج)، تولیه (حوله) و فیته (نوار، روبان) و...؛ از زبان چینی، کاغذ و چای و...؛ از زبان انگلیسی، ناول، گلاس، ترن، ریل و...؛ از زبان یونانی، فیلسوف، اصطربلاب و...؛ از زبان سنسکریت، پندت (عالم - معلم)، سماج (جامعه)، رشی (درویش) و...؛ از زبان هندی، پی (محبوب)، چپراسی (پادو)، چتائی (بوریا) و... را وام گرفته، اما این واژگان را در نظام خود تغییر داده‌است، تغییر در شکل ظاهر، معانی و کاربرد.

حال زبانی با این وسعت و فراگیری، زمانی که در معرض ترجمه به زبان‌های دیگر قرار گیرد، آگاهی به مواردی چند و نیز رعایت اصول و نکاتی ضروری می‌شود که شاید در برخی زبان‌ها کم‌تر ضرورت پیدا کند. بنابراین مترجم زبان اردو باید نکات و مواردی را در نظر داشته باشد تا بتواند ترجمه‌ای دقیق و سالم عرضه کند. اکنون صرفاً به نکات بارز و در عین حال ضروری می‌پردازیم.

۱. عضو هیأت علمی دانشکدهٔ زبان‌های خارجی دانشگاه تهران.

صدا و حروف در واژگان اردو (نکات ویژه در ترجمه)

در زبان اردو نیز هر حرفی از دو حالت صدا دار و بی صدا خارج نیست. حروف صدا دار که خود به دو دسته ساده و غنه‌ای تقسیم می‌شوند به دو صورت کوتاه و بلند تلفظ می‌شوند و به طور کلی ۲۴ حرف اند. (اردو کاصوتی نظام، صص ۱۵ و ۱۴). این صداها به کمک رسم الخط عربی و شکل صداها ی عربی یعنی اَ ، اِ ، اِی - اُ ، نمایش داده می‌شوند. نکته قابل توجه این است که به تبعیت از زبان هندی، در زبان اردو این صداها تقسیمات دیگری نیز دارند که بیش تر اکتسابی است ولی علامت خاصی غیر از علامات عربی برای آنها وجود ندارد. شمار این صداها به هشت می‌رسد و کلاً در زبان اردو چهارده صدای ساده داریم.

گروه دوم صداها، صداها ی غنه هستند. به طور معمول این صداها به صورت (اُن-اِن-اُن) و (اُن-اِی-اُ) در واژگان اردو استعمال می‌شوند. شمار این صداها به ده می‌رسد. این صداها هیچ‌گاه در آغاز واژه‌ای قرار نمی‌گیرند و در نوشتن هنگامی که بین حروف دیگری قرار بگیرند، منقوطفند و اگر در پایان واژه‌ای باشند، بدون نقطه نوشته می‌شوند. در واژه کانتا به معنی تیغ، نون غنه به علت واقع شدن در میان حروف دیگر، منقوط نوشته شده است، اما در تلفظ باید به صورت غنه تلفظ شود. و در واژه کهاال، نون غنه بدون نقطه بوده و به صورت غنه‌ای نیز تلفظ می‌شود.

۳۴ حرف بی صدا در زبان اردو داریم این حروف بیش تر ترکیبی اند که علاوه بر حروف بی صدای فارسی شامل: (پھ-تھ-ٹ-بھ-جھ-چھ-ڈھ-ڈھ-ڑھ-ڑھ-رھ-کھ-گھ-نھ) می‌شوند و در تلفظ، مخرج‌های مختلفی دارند. با توجه به نحوه تلفظ و نگارش حروف و صداها ی یاد شده، باید به نکات ذیل توجه کافی داشت تا ترجمه‌ای دقیق عرضه کرد:

۱. در زبان اردو دو صدای فتحه و یا ضمه به صورت متوالی وجود ندارد. بنابراین در واژگان فارسی یا عربی که این حالت وجود داشته باشد، اهل زبان بدون توجه به تلفظ در زبان اصلی، یکی از صداها را تغییر می‌دهند، به طور مثال:

تلفظ در اردو	واژه در فارسی یا عربی
أصول	أصول
حکومت	حکومت
شعور	شعور

۲. در واژگانی که دو حرف آخر آن‌ها در عربی و فارسی ساکن نوشته و تلفظ می‌شود نیز مردم عامی اردوزبان تغییر ایجاد می‌کنند و گاهی به حرف ماقبل آخر صدا می‌دهند و گاهی حرف آخر را حذف می‌کنند:

دوست / دوس	دُوشْت
گوشت / گوشت	گوشت

۳. در واژگانی که سه حرف آخر آن‌ها مصوت باشند گاهی با تغییر دادن در صدای حرف وسط، یعنی ساکن کردن آن تلفظ می‌کنند:

جَلْسِه	جَلْسِه
کَلْمِه	کَلْمِه

۴. در واژگان سه حرفی فارسی و عربی که دو حرف آخر به صورت ساکن تلفظ می‌شود، مردم عامی حرف دوم واژه را حرکت می‌دهند:

گَرَم	گَرَم
سَرَد	سَرَد
زَهَر	زَهَر
سَبَز	سَبَز
سُرُخ	سُرُخ

۵. هرگاه حروف «ع» و «ه» در پایان واژه‌ای از واژگان عربی و فارسی آمده باشد مردم عامی و حتی خواص آگاه از اصل تلفظ واژه، آن‌ها را به صورت «ا» تلفظ می‌کنند. البته این در صورتی است که حروف مذکور بعد از صداهای ا، ای، او نیامده باشند:

شَمَا	شَمَع
ضَلَا	ضَلَع
نَقَا	نَقَع
بندا	بندِه
میکدا	میکدِه

۶. حرف «ح» نیز اگر در آخر واژه‌ای سه حرفی از واژگان عربی و فارسی واقع شده

باشد، عوام اردوزبان یک الف به قبل از آن می‌افزایند:

فَتَّاح
صُبَّاح

فَتْنَح
صُبْنَح

آگاهی از موارد ذکر شده برای ترجمه شفاهی از اردو مهم است. البته بسیار مشاهده می‌شود که برخی از اردوزبان‌های آگاه به اصل تلفظ واژگان فارسی یا عربی آن‌ها را کاملاً صحیح تلفظ می‌کنند و اینجا فقط مقصود عوام ناآگاه از این اصول است.

واژه‌های فارسی و عربی موجود در زبان اردو و مشکلات ناشی از آن‌ها در ترجمه

این بحث به طور مستقل بسیار گسترده و مهم است و محققان و دانش‌پژوهان زیادی در این مهم تحقیقات مبسوطی انجام داده‌اند. از آنجا که در این مقاله هدف، مطالعه کلی و ریشه‌یابی این واژگان نیست، با مختصر توضیحی در این باب وارد مبحث مشکلات ناشی از این واژگان در زبان اردو برای مترجمان خواهیم شد.

نزدیک به هزار سال پیش مسلمانان از طریق ایران وارد سرزمین وسیع شبه‌قاره شدند و در منطقه‌ای که امروزه کشور پاکستان در آن قرار دارد، حکومت اسلامی تشکیل دادند و اندک اندک منطقه فرمانروایی خود را به جنوب هندوستان گسترش دادند، آن‌ها به زبان‌های فارسی و عربی تکلم می‌کردند و سربازانی از مناطق ترک‌نشین آسیای میانه نیز در میان آنان حضور داشتند که به عنوان لشکریان فاتح در بین مردم بومی منطقه نیز حضور می‌یافتند. مسلماً برای ایجاد ارتباط باید به زبانی با همدیگر صحبت می‌کردند، چند کلمه از زبان سربازان و چند کلمه از زبان‌های محلی می‌توانست دو طرف را در نیل به بیان خواسته یاری کند. با قبول اسلام، زبان عربی و حتی فارسی جنبه مذهبی و تقدس به خود گرفت و مسلمانان منطقه به این زبان‌ها به دیده احترام می‌نگریستند و دانستن آن‌ها را نوعی افتخار برای خود می‌دانستند، با مرور زمان و گسترش ارتباطات، زبانی با ترکیب زبان‌های محلی و مهاجمان به وجود آمد که در حقیقت بنایی با اسکلت پنجابی - هندی بود و تزیینات آن را زبان‌های عربی، فارسی و گاهی ترکی تشکیل می‌داد. این تزیینات شامل واژگان، ترکیبات، ضرب‌المثل‌ها و محاورات و اصطلاحات بود و با گذشت قرون و اعصار چنان با اردو درآمیختند که باید گفت اینک جزء لاینفکی از زبان

اردو هستند اما معانی و کاربردها با اصل تغییر یافته و یک مترجم در برخورد با چنین واژگانی نکات ذیل را باید در نظر داشته باشد:

۱. واژه‌های فارسی و عربی که با حفظ معنی اصلی، معانی جدیدی نیز در نزد اردو زبان‌ها به خود گرفته‌اند، به طور مثال واژه «آشنا» علاوه بر حفظ معنی اصلی خود در فارسی، معنای جدید را «کسی که دارای روابط نامشروع است» اختیار کرده‌است و معنای اخیر در بین عوام مشهورتر و مقبول‌تر است. با ارائه چند نمونه به مقایسه معانی قدیمی و مصطلح در فارسی و معانی جدید در اردو می‌پردازیم:

واژه	معنی در فارسی	معنی در زبان اردو
آمد		۱. الهام شعری ۲. آمد - حضور یافت
آورد		۱. شعری که با کوشش و تلاش سروده شود ۲. آورد
محرّر	نویسنده	۱. منشی ۲. کارمند ۳. نویسنده (فرهنگ واژه‌های اردو به فارسی)

جالب اینجاست که با ترکیب دو لفظ فارسی و عربی یا فارسی و اردو و یا عربی و اردو، واژه‌های جدیدی با معانی مخصوص ساخته‌اند: محرّر تنخواه: ۱. متصدی پرداخت حقوق، ۲. نویسنده و تنظیم‌کننده لیست‌های حقوق‌های ماهیانه (فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اردو). و ترکیبات بسیاری از این دست.

۲. گروه دوم واژگانی هستند که با آنچه در فارسی و عربی از آن‌ها مورد نظر است یا معناهایی که امروزه از آن‌ها مورد نظر است کاملاً فرق کرده‌اند. این که علت این دگرگونی معنایی چیست و چرا این واژگان معانی جدیدی به خود گرفته‌اند در حوصله این مبحث نیست، اما نکته قابل توجه این است که واژه‌سازان اردو زبان گاه با دقت و کاوش در ریشه و اصل برخی کلمات این معانی جدید را که به گوش فارسی‌زبانان و به‌ویژه فارسی‌گویان امروزی در خطه ایران و افغانستان و... ناآشناست ساخته‌اند. مثلاً واژه «رفتار» را در نظر بگیرید، چون از مصدر «رفتن» ساخته شده‌است، اردو زبانان آن را در معنی «سرعت» به کار می‌برند. نمونه‌هایی از این دسته واژه‌ها را در زیر برای مقایسه و نمونه ذکر می‌کنیم:

معنی فارسی یا عربی	واژه
تفتیش بدنی، بازرسی	تلاش
پذیرایی	خاطر
رهبر، رئیس	سبزه راه
عروسی، ازدواج	شادی
مالیات	محصول
بررسی، تحقیق	جائزه
	داده شود

(فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اردو)

۳. واژگانی که ریشه فارسی یا عربی و... دارند اما شکل‌های جدید در زبان اردو به خود گرفته‌اند که در زبان مبدأ به آن شکل یا وجود ندارند یا به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند. مصدر «بخشنا» و «بخشنا» که به ترتیب در معانی بخشیدن و بخشاندن است از مصدر «بخشیدن» فارسی به عاریت گرفته شده است، از واژه «شرم» فارسی، واژگان «شرمانا» به معنای «شرمنده شدن»، «شرمیلا» به معنای «شرمنده» یک صفت مذکر است و «شرمیلی» باز در معنای «شرمنده» صفت مؤنث است. «شرماؤ»: قید حالت اردوست در معنای «خجالتی».

نمونه‌ای از این دسته واژگان:

واژه	معنا در اردو	واژه‌های مشتق
جرثومه	میکرب	جرثومیاتی (وابسته به میکرب‌شناسی)
برق	الکتریسیته	برقیّه (الکترون، تلگراف)
شعاع	نور، برق	شعاع‌نگاری (رادیولوژی)

(فرهنگ واژه‌های اردو به فارسی)

مثال‌های بسیاری می‌توان برای نمونه ارائه داد. در اینجا نظر محققان و واژه‌سازان محترم را به این مسأله جلب می‌نماید که واژه‌های «برق پیمان» و «شعاع‌نگاری»، بسیار مناسب‌تر از اصطلاحات اصلی رایج بیگانه است. مناسب است که با همکاری فرهنگستان‌های اردو و فارسی این قبیل واژگان ساخته شوند تا بر غنای هر دو زبان بیش از پیش افزوده شود.

یک مترجم در صورتی موفق به ارائه یک ترجمه خوب و دقیق خواهد شد که به ظرایف گفته شده، آگاهی کافی داشته باشد.

گسترده‌گی زمان‌ها و مسائل دستوری و مشکلات ناشی از آن‌ها در ترجمه

سومین مسأله مشکل‌ساز در ترجمه از زبان اردو، گسترده‌گی و تعدّد زمان‌ها (tenses) است. زمان انجام فعل و طریقه انجام آن به دو دسته اصلی معلوم و مجهول تقسیم می‌شود. تمام افعال معلوم در صورتی که متعدی باشند به صورت مجهول نیز می‌توانند بیان شوند. در اینجا به طور جداگانه به بررسی مشکلات ناشی از آن‌ها در ترجمه به فارسی می‌پردازیم:

۱. افعال و زمان‌های معلوم: برخی از افعال و زمان‌ها از جمله فعل امر ساده، آینده ساده، ماضی ساده، ماضی استمراری نوع اول، حال استمراری نوع اول، ماضی نقلی و بعید و... را به راحتی می‌توان به فارسی ترجمه کرد، چون معادل آن‌ها در فارسی عیناً وجود دارد. البته در زمان‌های ماضی ساده و نقلی و بعید، در صورتی که فعل مورد نظر متعدی باشد، باید به مذکر یا مؤنث بودن و یا جمع و مفرد بودن مفعول توجه کافی شود، زیرا شکل فعل در تذکیر و تأنیث و جمع و مفرد بودن، کاملاً به مفعول مربوط می‌شود. البته به شرطی که علامت مفعولی «کو» بعد از آن واقع نشود. در زمان‌های حال استمراری نوع دوم و سوم، باید دقت کرد که میزان استمرار مورد نظر در زبان اردو به نحو کامل بیان شود.

وہ خط لکھ رہا ہے آن پسر دارد نامہ حال استمراری نوع اول

می‌نویسد

وہ خط لکھتا رہا ہے آن پسر دارد بہ نوشتن حال استمراری نوع دوم

ادامہ می‌دهد

وہ خط لکھتا رہتا ہے آن پسر همچنان دارد بہ حال استمراری نوع سوم

نوشتن ادامه می‌دهد

همان طور که ملاحظه می‌شود از حال استمراری نوع اول تا سوم، حالت استمرار افزایش یافته است و معنی کردن آن به صورت «آن پسر دارد می‌نویسد» برای نوع دوم و سوم مناسب نیست. همچنین در زمان‌های ماضی استمراری نوع دوم و سوم نیز این دقت باید مبذول شود تا میزان تداوم عمل و انتقال مفهوم آن به طور کامل به ذهن خواننده

منتقل شود:

وه خط لکھتی رھی تھی آن دختر داشت نامہ ماضی استمراری نوع اول
می نوشت

وه خط لکھتی رھی تھی آن دختر داشت به نوشتن ماضی استمراری نوع
نامہ ادامه می داد دوم

وه خط لکھتی رھتی تھی آن دختر همچنان داشت ماضی استمراری نوع
به نوشتن نامہ ادامه سوم
می داد

در ترجمہٴ زمان آیندہ استمراری نیز باید این قاعدہ را در نظر داشت:

وه خط لکھتے رھیں گے آن پسران به نوشتن ادامه خواهند داد.

زمان ماضی بعید استمراری نیز چون معادل مشابهی در فارسی ندارد، هنگام ترجمہ

دقت خاصی را می طلبد:

وه یہاں آیا کرتاتھا آن پسر به اینجا آمدن را ادامه می داد.

کہ به نظر می رسد از ترجمہ به: «آن پسر به اینجا می آمدہ بود» رساتر و سلیس تر باشد.

در ماضی شکیہ استمراری نیز باید دقت کافی به خرج دادہ شود؛ در جملہ:

وه خط لکھتی رھی ہوں گی:

بہتر است به صورت «آن دختران شاید به نامہ نوشتن ادامه دادہ باشند» ترجمہ شود تا

«آن دختران به نوشتن ادامه دادہ می باشند». البتہ صورت اخیر در برخی ترجمہ ہا به

فارسی دیدہ شدہ است.

۲. در جملہ های مجهول نیز دقت کافی در شناختن مفعول جملہ، میزان صحت و سقم

یک ترجمہ را معلوم می کند. از آنجا کہ فعل جملات مجهول باید متعدی باشد و طبق

قاعدہ شکل فعل در تذکیر و تأنیث و مفرد و جمع بودن به مفعول و نوع آن مربوط است،

مترجم موفق در حین ترجمہ، به سرعت مفعول را شناسایی کردہ و با توجہ به آن ترجمہ

می کند.

در جملہ «پانی پیا جائے گا» به معنی «آب نوشیدہ خواهد شد»، چون «پانی» مفعول

جملہ، مذکر و مفرد است، در پایان جملہ فعل به صورت «پیا جائے گا» آمدہ است و

توسط فاعل مذکر و مؤنث این عمل می تواند صورت گرفته باشد و در هر صورت به

شکل بالا باید آوردہ شود. و یا در جملہ «روٹی کھائی، گئی» به معنی «نان خوردہ شد»،

روئی که مفعول جمله است مؤنث است و به تبع آن فعل نیز مؤنث آورده می‌شود و فرقی در مذکر یا مؤنث بودن فاعل ندارد. یادآوری می‌کنم که قواعد گفته شده برای زمان‌های معلوم، (چه ساده و چه استمراری) برای جملات مجهول نیز صادق است و رعایت آن اصول در ترجمه، ضامن سلاست و روانی ترجمه خواهد بود.

۳. مسأله دیگر مطابقت عدد و معدود در زبان اردوست. در حالی که در زبان فارسی تطابق عدد و معدود وجود ندارد، در ترجمه از زبان اردو باید به این امر توجه کافی شود. در این مورد، اشتباه بیش‌تر از سوی مترجمان شبه‌قاره صورت می‌گیرد که در ترجمه‌های خود از اردو به فارسی مرتکب این سهو می‌شوند به عنوان مثال این جمله را در نظر بگیرید:

میں دس قلم خریدوں گا من ده قلم خواهم خرید

در حالی که بعضی اوقات دیده شده است که به صورت «من ده قلم‌ها خواهم خرید» ترجمه شده است. پرواضح است که باید از چنین اشتباهاتی اجتناب شود.

۴. گاهی به جملاتی برخورد می‌کنیم که از ساخت مخصوصی برخوردارند و معادل آن را در زبان فارسی نداریم و آن به این صورت است که جمله با یک ضمیر مفعولی یا اسمی که بعد از آن نشانه مفعولی «کو» آمده است شروع می‌شود و اشاره و توضیح کلی جمله مربوط به یک اسم یا قید است. به عنوان مثال به جمله زیر دقت کنید: «لوگون کو رهنے سھنے کا سلیقہ آیا». در تجزیه این جمله چنین می‌توانیم بگوییم: «لوگ»: اسم جمع هندی مذکر + «کو»: نشانه مفعولی + «رهنے سھنے کا سلیقہ»: ترکیب اضافی اردو + «آیا»: ماضی ساده از مصدر «آنا»، حال اگر بخواهیم یک ترجمه تحت‌اللفظی ارائه بدهیم باید بگوییم: «مردمان را سلیقه چگونه زیستن آمد». اما چون این نوع بیان امروزه در فارسی متروک است بنابراین بهتر است گفته شود: «مردم سلیقه چگونه زیستن را آموختند». در این گونه جملات مترجم باید ضمن توجه کافی دست به ابداع و ابتکار زده و معنای کامل و در عین حال درستی را ارائه کند. این توضیح نیز لازم می‌نماید که شکل فعل به اسم یا قید قبل از خود برمی‌گردد یعنی در تذکیر و تأنیث و جمع و مفرد بودن از آن تبعیت می‌کند مانند جمله گفته شده که چون توضیح جمله در مورد یاد گرفتن روش زندگی «رهنے سھنے کا سلیقہ» است و «سلیقه» یک اسم مفرد مذکر است، در آخر جمله فعل به صورت مفرد مذکر بیان شده است. به چند جمله از این گونه با معانی تحت‌اللفظی و معنی سلیس آن‌ها دقت فرمایید:

معنی سلیس و روان

معانی تحت اللفظی

جملہ اردو

اسے تجھ سے سخت نفرت او را از تو سخت نفرت او از تو بسیار متنفر بود

بود

تھی

اسے بھوک لگ رہی ہے او را دارد احساس او دارد احساس گرسنگی
گرسنگی می شود می کند

در پایان ذکر این نکتہ ضروری است کہ مواع و پیچیدگی های ترجمہ از زبان اردو
بیش از نکاتی است کہ در اینجا بر شمرده شده اند، و مسلماً دقت و فکر بیش تری را
می طلبند کہ امید است در آیندہ این نکات بہ صورت وسیع تر بحث شدہ و بہ اطلاع
محققان برسد.

کتابنامہ

۱. اردو زبان کا صوتی نظام اور تقابلی مطالعہ، سہیل بخاری، ڈاکٹر ، مطبع طاہر
پرنٹنگ پریس، لاہور، ناشر: ڈاکٹر جمیل جالبی، صدر نشین مقتدرہ قومی زبان،
مارچ ۱۹۹۱ م.
۲. اردو زبان کی مختصر ترین تاریخ، سلیم اختر، ڈاکٹر، مطبع: ایس ٹی پرنٹرز، گوالمنڈی
راولپنڈی ، ناشر: افتخار عارف، صدر نشین مقتدرہ قومی زبان، ۱۹۹۵ م.
۳. تدریس اردو، فرمان فتح پوری، ڈاکٹر، مطبع گرین لائن پرنٹرز، آئی ٹی مرکز، اسلام
آباد، ناشر: افتخار عارف، صدر نشین مقتدرہ قومی زبان، طبع دوم ۱۹۹۸ م.
4. *Dictionary: Urdu into English*, by Qureshi, Bashir A. M. A Kitabistan Publishing Co.
38 urdu Bazar Lahor.
۵. فرهنگ جامع فارسی بہ انگلیسی و اردو، نقوی، سید علی رضا، انتشارات ریزنی
فرہنگی جمهوری اسلامی ایران، اسلام آباد، پاکستان، ۱۳۷۲ ش.
۶. فرهنگ واژه های اردو بہ فارسی، شاہد چوہدری، علمی و فرہنگی، ۱۳۷۵ ش.
۷. فیروز اللغات اردو جامع، نیاڈیشن، مطبع فیروز سنز لمیٹڈ ، لاہور، ایڈیٹر: الحاج
مولوی فیروز الدین.
۸. قومی انگریزی لغت ایڈیٹر جالبی، جمیل، ڈاکٹر، مطبع مکتبہ جدید پریس لاہور،
طبع سوم ۱۹۹۶ م.